



**نقش سیاست‌های پولی در مصون‌سازی صادرات کشور  
از بحران مالی و اقتصادی**

**کوروش پرویزیان \***

\* رئیس هیئت مدیره و مدیرعامل بانک توسعه صادرات ایران

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳۱۹	چکیده.....
۳۲۰	مقدمه.....
۳۲۱	۱- سیاست‌های پولی.....
۳۲۱	۱-۱- تاریخچه.....
۳۲۳	۱-۲- ابزارهای سیاست‌گذاری پولی و نحوه تأثیرگذاری.....
۳۲۴	۱-۳- سیاست‌گذاری پولی و روندهای کلان اقتصاد ایران.....
۳۲۸	۲- سیاست‌های پولی در بحران‌ها و ادوار تجاری.....
۳۲۸	۲-۱- ادوار تجاری و آسیب‌پذیری اقتصاد.....
۳۳۱	۲-۲- رکود تورمی.....
۳۳۳	۲-۳- ارتباط نرخ ارز و نرخ بهره.....
۳۳۴	۳- سیاست‌های پولی و تجارت خارجی.....
۳۳۶	جمع‌بندی و پیشنهادات.....
۳۴۲	کتاب‌نامه.....

## فهرست جدول‌ها و نمودارها

صفحه

عنوان

### الف - جدول‌ها:

۳۲۷	جدول شماره ۱- عملکرد برنامه‌ای صادرات غیرنفتی.....
۳۲۸	جدول شماره ۲- وضعیت صادرات و واردات ۲۰۰۳-۱۹۹۹.....
۳۳۹	جدول شماره ۱ پیوست- اقتصاد ایران در یک نگاه ۸۶-۱۳۸۳.....
۳۴۱	جدول شماره ۲ پیوست- شاخص‌های نقدینگی، پایه پولی و ضریب فزاینده پولی ۸۶-۱۳۸۴.....

### ب - نمودارها:

۳۲۹	نمودار ۱- ادوار تجاری فعالیت‌های کلان اقتصادی.....
۳۳۲	نمودار ۲- جابه‌جایی منحنی عرضه کل.....
۳۳۶	نمودار ۳- نحوه اثرگذاری سیاست‌های پولی بر تقاضای کل.....

### چکیده

نقش و اهمیت صادرات غیرنفتی در افزایش درآمد سرانه و ثروت ملی جوامع در اکثر نظریه‌های رشد و توسعه اقتصادی مورد تأکید قرار گرفته است. وضع سیاست‌های اقتصادی و به‌خصوص سیاست‌های پولی صادرات محور برای کشور در حال توسعه‌ای مانند ایران بعد از قریب یک قرن صادرات تک محصولی نفت خام و سیاست‌های واردات محور و مصرف‌گرا اهمیت فوق‌العاده‌ای دارد.

با توجه به ضرورت تخصیص بهینه منابع برای جلوگیری از بی‌ثباتی و آسیب‌های اقتصادی و همچنین تحریک رشد اقتصادی، لازم است که زمینه‌های مدیریت و تخصیص منابع به درستی شناسایی شده و با هدایت و سیاستگذاری درست پولی به سمت مولدترین و کارآمدترین بخش‌های اقتصادی، شرایط استفاده کارآمد از منابع محدود را در جهت رشد اقتصادی، کنترل تورم و رفع نارسایی‌های اقتصادی فراهم آورد.

این مقاله در همین راستا و با فراهم آوردن رویکرد تحلیلی - تجربی به شاخص‌های عمده اقتصادی و همچنین بهره‌گیری از مطالعات تطبیقی در شرایط بحران مالی و اقتصادی جهانی و تحریم‌های گسترده آمریکا و اروپا، سیاست‌های پولی را در ارتباط با صادرات غیرنفتی کشور مورد ارزیابی قرار داده و به تبیین چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو می‌پردازد.

کلمات کلیدی: سیاست‌های پولی، صادرات، بحران اقتصادی، آسیب‌پذیری اقتصادی، تورم، هزینه‌های تولید، ادوار تجاری.

## مقدمه

بررسی سیاست‌های پولی در ارتباط با صادرات از آن نظر دارای اهمیت است که با متغیرهای مهم اقتصادی مانند: رشد اقتصادی، رشد نقدینگی، تورم، بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اقتصادی مرتبط است. به ویژه دو متغیر مهم بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اقتصادی که به‌عنوان نتایج بحران‌های اقتصادی در کشورهای مختلف مطرح شده‌اند، تحت تأثیر سیاست‌های اقتصادی و به‌ویژه سیاست‌های پولی، ارزی و مالی قرار می‌گیرند.

ادوار تجاری<sup>۱</sup> با تورم و رکود، رونق و کساد و اشتغال و بیکاری، متأثر از سیاست‌های پولی است. لوکاس (۱۹۸۱) نخستین گام در طراحی سیاست‌های تثبیت اقتصادی را شناخت ادوار تجاری می‌داند (۲۰). گرچه ادوار تجاری به‌طور کامل تبیین‌گر بحران اقتصادی و به‌خصوص بحران کنونی جهان نیستند، لیکن از آن جهت که تا حدودی به تبیین شاخص‌های بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اقتصادی می‌پردازند، قابل تأمل می‌باشند. مدل مطالعاتی ادوار تجاری در نظریه‌های اقتصادی، بر پایه مدل تعادل عمومی پویا قابل بررسی است، لیکن پیچیدگی، ابهام و حتی تناقض در تعامل، ارتباط و تأثیر و تأثر متقابل و چندگانه متغیرها، کارایی این مدل‌ها را در توضیح، تفسیر و پیش‌بینی کاهش می‌دهد. تأثیر سیاست‌های پولی، به ویژه از طریق متغیرهایی نظیر تورم همان‌گونه که در ادامه توضیح داده می‌شود، بر روی موفقیت و شکست عملکرد صادراتی کشور ایران مشاهده شده است. تأثیر فرآیند تحریم‌ها (به‌خصوص تحریم بانکی) و بحران اقتصادی به‌عنوان متغیرهای خارجی و کلیدی، اهمیت سیاست‌های پولی صحیح را برای صادرات کشور دو چندان می‌کند. بررسی کارنامه صادرات غیرنفتی کشور و بررسی برنامه‌های توسعه اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی کشور و نیز شاخص‌های عمده نشان‌دهنده وضعیت کلان اقتصادی، چارچوبی تحلیلی از چگونگی تأثیر سیاست‌های پولی کشور در امر صادرات را به‌دست می‌دهد. انتخاب سیاست‌های پولی پشتیبان صادرات غیرنفتی، راهی را برای کاهش آثار مخرب بحران اقتصادی و تحریم‌های وضع شده باز می‌کند. بررسی سیاست پولی حاوی سه فرایند سیاست‌گذاری، هدف‌گذاری و تحلیل سیاستی است که عموماً در گزارش تورم<sup>۲</sup> بانک مرکزی مورد استناد قرار می‌گیرد و در آن به تورم، رشد نقدینگی و رشد اقتصادی بیش از همه توجه می‌شود (۲).

<sup>۱</sup> Business Cycle

<sup>۲</sup> Inflation report

## ۱- سیاست‌های پولی

### ۱-۱- تاریخچه

سیاست‌های پولی؛ به‌نوعی مشتمل بر سیاست‌های مربوط به تغییر و کنترل حجم پول، تغییر در ساختار و نرخ سود (بهره)، تغییر در شرایط اعطای اعتبار و تسهیلات داخلی، تغییر در شرایط اخذ وام و تسهیلات خارجی و تغییر در رفتار بانک مرکزی و بانک‌های تجاری (سپرده‌ها، اوراق) است. این سیاست‌ها در کنار سیاست مالی و سیاست‌های ارزی، وضع پیچیده‌ای را برای تصمیم‌گیرندگان اقتصادی و دولت‌ها و سازمان‌های جهانی ایجاد کرده است. سیاست‌های مالی مشتمل بر تغییر و کنترل در مخارج و هزینه‌های دولت (جاری، عمرانی یا تملک‌دارایی، یارانه‌ها، پرداخت‌های انتقالی و کمک‌های بدون عوض)، تغییر در ساختار و درآمد مالیاتی (مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم، مالیات بر مصرف، مالیات ارزش افزوده و ...) تغییر در ساختار درآمد دولت (تعرفه‌ها و عوارض)، تغییر در ساختار درآمدهای خاص (نفت و یا کالاهای خاص انحصاری دولت)، تغییر در سرمایه‌گذاری دولتی و وام و قرض داخلی و خارجی (تعهدات و بدهی خارجی، اوراق) و سرانجام تغییر در سطح خالص صادرات و واردات و تراز تجاری است. سیاست ارزی مربوط به میزان ارز قابل استحصال، سیاست‌های تخصیص ارز و نرخ برابری ارز (مخصوص ارزهای جهان روا) و پول ملی کشور است.

پژوهشگران درخصوص به‌کارگیری همزمان و نیز درجه تأثیرگذاری این سیاست‌ها اتفاق نظر ندارند و در جریان تاریخی، همراه با مطرح شدن نظریه‌های جدید اقتصادی و تغییرات بازارهای پول و سرمایه روندهای جدید در سیاست‌های پولی و مالی و نحوه این گونه سیاست‌گذاری‌ها شکل گرفته است.

تا اواخر دهه ۱۹۷۰، سیاست پولی و مالی به‌عنوان جانشین‌های تقریباً کامل یکدیگر مطرح بودند و سیاست‌گذاران ترکیبی از این دو را برای هموار کردن اثر ادوار تجاری به کار می‌بردند. چارچوب تحلیلی این روش بر پایه منحنی فیلیپس قرار داشت که رابطه‌ای تبادلی (Trade Off) بین نرخ تورم و بیکاری برقرار می‌دانست، یا به بیان دیگر معتقد بود برای ایجاد اشتغال، داشتن تورم اجتناب‌ناپذیر است. سیاست‌گذاران پولی از این طریق با اتخاذ سیاست‌های انبساطی یا انقباضی، شدت اثر دوره‌های رکود یا تورم (ادوار تجاری) را تخفیف می‌دادند. در این دوره نرخ بهره پایین و نرخ ارز ثابت از اصول کلیدی بانک‌های مرکزی برای تقویت رشد اقتصادی بود و در بعد مدیریتی، سیاست‌گذاری بانک‌های مرکزی کاملاً وابسته و تحت نظر دولت تعریف می‌شد.

وقوع بحران تورم بزرگ در دهه ۱۹۷۰ را می‌توان شروع دوران گذار بانکداری مرکزی به سوی روش مدرن امروزی دانست. افزایش شدید نرخ تورم در این دوره نشان داد که سیاست‌های پولی اخذ شده فاقد کارایی و اثربخشی مناسب بوده‌اند.

در آن زمان محققان به این نتیجه رسیدند که هیچ رابطه بلندمدتی بین نرخ تورم و اشتغال وجود ندارد و در حقیقت منحنی فیلیپس در بلندمدت عمودی است. آن‌ها مسئله ناهماهنگی زمانی<sup>۱</sup> را مطرح و آن را به‌عنوان یکی از عوامل شکست سیاست‌های پولی معرفی کردند. براساس این نظریه، سیاست‌گذاران پولی به‌منظور کسب اهداف کوتاه‌مدت اشتغال با اتخاذ سیاست‌های انبساطی، از رابطه کوتاه‌مدت نرخ تورم و بیکاری بهره می‌برند، لیکن در بلندمدت نه فقط اشتغال افزایش نمی‌یابد، بلکه سیاست‌های انبساطی اتخاذ شده سبب بروز تورم‌های شدید می‌شود.

به این ترتیب نگرش سیاست‌گذاران به کاربرد و اهداف سیاست پولی تغییر کرد. از این پس، به سیاست پولی به‌عنوان ابزاری جدا و کاملاً متمایز از سیاست مالی نگریسته شد و اختیارات و وظایف جدیدی برای بانک‌های مرکزی به‌عنوان مجری سیاست پولی منظور گردید.

در سال‌های اخیر موضوع تثبیت قیمت‌ها (نرخ تورم پایین و با ثبات) به‌عنوان اصلی‌ترین هدف سیاست پولی مورد توجه قرار گرفته است. صاحب‌نظران اقتصادی معتقدند ثبات قیمت‌ها از رشد بی‌رویه فعالیت‌های واسطه‌گری مالی می‌کاهد، با کاهش نااطمینانی درباره آینده قیمت‌ها، انگیزه‌های سرمایه‌گذاری را تقویت می‌کند و از طریق افزایش کارایی منابع، اسباب رشد اقتصادی بالاتر را فراهم می‌کند.

از این رو ثبات قیمت‌ها به‌عنوان هدف بلندمدت و برتر بانک مرکزی مورد توجه قرار گرفت. از این طریق ضمن کسب رشد اقتصادی بالاتر، اثر انحراف در تخمین شرایط آینده اقتصادی نیز کمتر می‌شود. در واقع به‌دلیل وجود وقفه در اثرگذاری سیاست پولی و لزوم آینده‌نگری در آن، اتخاذ سیاست‌های مذکور براساس پیش‌بینی اوضاع آینده صورت می‌گیرد و لذا انحراف در پیش‌بینی ممکن است منجر به تشدید بحران شود.

<sup>۱</sup> Time Inconsistency

## ۲-۱- ابزارهای سیاستگذاری پولی و نحوه تأثیرگذاری

از دیدگاه اقتصاد مبتنی بر بازار، ابزارهایی که برای اعمال سیاست‌های پولی در اختیار بانک‌های مرکزی قرار دارد، می‌توان به صورت زیر برشمرد:

اول - عملیات بازار باز<sup>۱</sup> که مهم‌ترین ابزار سیاستگذاری پولی است. بانک مرکزی با استفاده از این ابزار برای اعمال سیاست‌های خود از طریق خرید و فروش اوراق قرضه در بازار مداخله می‌کند و بدین ترتیب بر نرخ بهره تأثیر می‌گذارد. چنانچه هدف دولت اعمال سیاست پولی انبساطی باشد، نسبت به خرید اوراق قرضه در بازار اقدام کرده و برای اعمال سیاست پولی انقباضی نسبت به فروش اوراق قرضه در بازار اقدام می‌کند.

دوم- نرخ تنزیل دوباره ابزار سیاستگذاری پولی دیگری است که براساس آن بانک مرکزی با تغییر نرخ تنزیل اوراق بدهی می‌تواند نرخ بهره بازار و در نتیجه عرضه و تقاضای پول را کنترل کند. سوم- نرخ ذخیره قانونی یکی دیگر از ابزارهای سیاستگذاری پولی است که براساس آن بانک مرکزی از طریق تغییر نرخ ذخیره قانونی بانک‌ها، قدرت خلق پول توسط آن را کنترل کرده و بدین طریق بازار پول را مدیریت می‌کند.

بی‌گمان فراتر از این ابزارهای کلاسیک و به خصوص در کشورهای در حال توسعه از برخی ابزارهای دیگر مانند تعیین نرخ‌ها، سهمیه‌ها و زمینه‌های مصارف وجوه بانکی نیز استفاده می‌شود. به عبارت دیگر در این وضعیت، تعیین نرخ‌ها و سهمیه‌های سیستم بانکی و اعتبارات به صورت ابزار سیاستگذاری پولی بانک مرکزی درآمده و بانک مرکزی می‌کوشد از طریق کنترل اعتبارات داخلی، اهداف خود را پیگیری کند.

محمد باقر سبحانی تحت نظر غلامعلی شرزهای پایان نامه‌ای با عنوان بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی در اقتصاد ایران با استفاده از معادله نسبت لوئیس به اتمام رسانده‌اند و سه فرضیه "تأثیرگذاری"، "توانایی پیش‌بینی" و "سرعت تأثیرگذاری" را مورد آزمون قرار داده‌اند (۱۰). تجزیه و تحلیل انجام شده نشان داده است که در اقتصاد ایران به‌طور مطلق تعیین سیاستی که از درجه اولویت بیشتری برخوردار باشد، امکانپذیر نیست. لیکن براساس اهداف مشخص می‌توان سیاست مناسب را انتخاب کرد. زمانی که هدف، سرعت تأثیر پذیری بر

<sup>۱</sup> عملیات بازار باز (Open Market Operations) عبارت از خرید و فروش اوراق قرضه دولتی در بازار مالی برای کنترل حجم پول و اعتبارات داخلی است. فروش اوراق مذکور توسط بانک مرکزی یک سیاست انقباض پولی بوده و منجر به کاهش حجم پول می‌شود و در نقطه مقابل بانک مرکزی با خرید این اوراق حجم پول را افزایش می‌دهد.



فعالیت‌های اقتصادی است، هر دو سیاست دارای عملکرد یکسانی هستند، لیکن چنانچه هدف، میزان یا توانایی پیش‌بینی تأثیرگذاری باشد، برحسب اینکه از چه متغیرهایی استفاده شود، نتیجه متفاوت خواهد بود. به‌عنوان مثال زمانی که هدف، میزان تأثیرگذاری بر فعالیت‌های اقتصادی است، اگر از متغیرهای "صادرات غیرنفتی، پایه پولی" برای سیاستگذاری استفاده شود، تأثیر سیاست مالی بر فعالیت‌های اقتصادی بزرگتر است و زمانی که از متغیرهای "صادرات غیرنفتی، نقدینگی و مخارج دولت" استفاده شود، تأثیر سیاست پولی بیشتر خواهد بود. همچنین زمانی که هدف، قابلیت پیش‌بینی تأثیرگذاری سیاست‌ها بر فعالیت‌های اقتصادی است، اگر از متغیرهای "کل صادرات، پایه پولی و مخارج دولت" استفاده شود، تأثیر سیاست مالی بر فعالیت‌های اقتصادی بهتر قابل پیش‌بینی است و اگر از متغیرهای "صادرات نفتی، نقدینگی و مخارج دولت" استفاده شود، تأثیر سیاست پولی بهتر قابل پیش‌بینی است (۱۰).

اهداف سیاست پولی و مالی در کشورهای مختلف نیز لزوماً یکسان نیستند، مثلاً در کشورهای صنعتی، کنترل تورم، رفع کساد و افزایش سطح اشتغال (اشتغال کامل عوامل تولید) موردنظر است و در کشورهای در حال توسعه رشد اقتصادی و افزایش درآمدها و عرضه کل مورد توجه است. در هر حال می‌توان به کمک ابزارها و منحنی‌های IS-LM ارتباط سیاست‌های پولی و مالی و تعیین تعادل عمومی انجام شود. IS نمودار ترکیب‌های مختلف تولید ملی و نرخ بهره است که بازار کالا را در تعادل نگه می‌دارد و LM ترکیب‌های مختلف درآمد ملی و نرخ بهره است که تعادل بازار پول را حفظ می‌کند. سیاست مالی باعث جابه‌جایی اولیه IS و سیاست پولی باعث جابه‌جایی LM می‌شود.

به‌دلیل وجود گروه‌های مختلفی از متغیرهای درونزا و برونزا، در ارتباط میان این سیاست‌ها و ایجاد تعادل عمومی و رفع بی‌ثباتی، تناقض‌های نظری متفاوتی به وجود آمده که بیش از یک قرن، اقتصاددانان و سیاستگذاران اقتصادی برای توضیح و تبیین آن‌ها کوشش کرده‌اند. حتی نهادهای سیاستی و نظارتی، نظیر بانک‌های مرکزی و ادار شده‌اند که به سیاستگذاری‌های مختلف روی آورند.

### ۳-۱- سیاستگذاری پولی و روندهای کلان اقتصاد ایران

بانک مرکزی جمهوری اسلامی طی سال‌های مختلف و با بهره‌گیری از ابزار شورای پول و اعتبار، تصمیمات مختلفی را اتخاذ کرده است. برای مثال طی سیاست‌های پولی مصوب شورای پول و اعتبار (۳) در سال‌های ۱۳۸۳، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵، ۱۳۸۶ و همچنین بسته سیاستی - نظارتی (۴)

مصوب سال‌های ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸ مصوبه کمیسیون اقتصادی دولت (به جانشینی شورای پول و اعتبار)، در خصوص سهم بخش‌های اقتصادی، نرخ سود علی‌الحساب، سپرده‌های بانکی، نرخ سود تسهیلات، نقدینگی، نسبت سپرده قانونی، اوراق مشارکت تصمیماتی اتخاذ شده است. این تصمیمات فرآیند کسب و کار و تولید را به‌گونه‌ای متفاوت تحت تأثیر قرار داده‌اند.

رفتار بانک مرکزی به‌عنوان متولی سیاست‌های پولی و دولت به‌عنوان متولی سیاست‌های مالی، قواعدی را به وجود آورده است که عملکرد اقتصادی کشور را تحت تأثیر قرار داده است. جدول شماره ۱ پیوست، شمای کلی از اقتصاد کشور را طی سال‌های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۶ نشان می‌دهد. بانک مرکزی به‌عنوان مسئول تنظیم و اجرای سیاست‌های پولی و اعتباری کشور، در سال‌های اخیر کنترل تورم و ایجاد و حفظ ثبات اقتصادی کلان را محور برنامه‌ریزی‌ها و تصمیمات قرار داده است. دولت جمهوری اسلامی نیز افزایش سطح خدمات‌رسانی عادلانه و برابر در همه نقاط کشور را با اجرای حجم گسترده‌ای از پروژه‌های عمرانی و زیربنایی، طرح‌های زودبازده اقتصادی و توزیع سهام عدالت در دستور کار قرار داده است.

آشکارا تباین و تضاد بین این سیاست‌ها کارایی و اثربخشی آن‌ها را در موضوع بی‌ثباتی اقتصادی و آسیب‌پذیری اقتصاد به چالش کشانده است. شکاف این سیاست‌ها با برنامه‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی موضوع را پیچیده‌تر کرده و شاخص‌های پیش‌بینی شده در برنامه و شاخص‌های تحت کنترل، به‌ویژه شاخص‌های تحت کنترل بانک مرکزی را با نوسان، تورش و اعوجاج بیشتری همراه کرده است. جدول شماره ۲ پیوست نشانگر شاخص‌های نقدینگی، پایه پولی و ضریب فزاینده پولی طی سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۸۴ است. تورم ۲۵ درصد سال ۱۳۸۷ (۵) از جمله نتایج شکاف سیاست‌هاست. رفع این شکاف به حل قاعده‌مند، شفاف و منطقی تراحم موجود بین این سیاست‌ها بستگی دارد که می‌تواند موجب بهبود عملکرد اقتصادی و افزایش اعتبار سیاست‌گذاران و ساز و کارهای انتخابی شود.

کارایی این سیاست‌ها در تعامل با یکدیگر در همه متغیرها یکسان نبوده و در پاره‌ای از شاخص‌ها از جمله شاخص موردنظر صادرات غیرنفتی، صرف‌نظر از تغییر در تعاریف و اختلافات مربوط به آن، اثر متفاوتی گذارده است. بررسی برنامه‌ای این شاخص به تبیین چگونگی تعامل بیشتر متغیرها کمک می‌کند.

در برنامه اول توسعه اقتصادی - اجتماعی (۷) سال‌های ۱۳۷۲-۱۳۶۸، همراه با سیاست‌های تعدیل اقتصادی، افزایش صادرات جزو اهداف برنامه قرار گرفت که در سال‌های ابتدای برنامه، صادرات صنعتی چیزی در حدود ۳۰ میلیون دلار برآورد شده است. تأثیر بحران جنگ تحمیلی

بر اقتصاد نوپای کشور قابل تردید نبود و بیشتر سیاست‌ها معطوف به بازسازی و ایجاد زیرساخت‌های تخریب شده (در بخش‌های انرژی، راه، آب، مخابرات، بازسازی مناطق و شهرهای تخریب شده) بود. برنامه دوم با یک‌سال وقفه در سال‌های ۱۳۷۸-۱۳۷۴، (۹) خصوصی‌سازی و سیاست‌های تثبیت اقتصادی، کنترل بازار ارز و حذف آثار مخرب ناشی از نوسان‌های نرخ ارز بر اقتصاد ایران را مورد توجه قرار داد. تضمین ارز صادراتی و هدایت آن به بخش تولید و نظارت بر قیمت‌ها و بازار از جمله سیاست‌های در حال پیگیری بود. انتشار اوراق مشارکت به‌عنوان یک منبع مالی جدید در بانک‌ها در این دوره اتفاق افتاد (۱۵).

طی برنامه سوم در سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۷۹، موضوع اختصاص ارز از حساب ذخیره ارزی برای سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و سرمایه‌گذاری مولد، صادرات خدمات فنی و مهندسی مطرح شد. بخش صنعت و معدن با میانگین رشد ۸/۳ درصد، از میانگین رشد اقتصادی کشور ۶/۱ درصد پیشی گرفت (۱۶).

در برنامه چهارم سال‌های ۱۳۸۸-۱۳۸۴ و به‌خصوص ماده ۳۳ قانون، دولت را مکلف کرد به‌منظور نوسازی و روان‌سازی تجارت، افزایش سهم کشور در تجارت بین‌المللی، توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات، تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین‌المللی و به‌منظور گسترش کاربرد فناوری اطلاعات و ارتباطات در اقتصاد بازرگانی و تجارت، در قالب سند ملی بازرگانی کشور اقداماتی را انجام دهد (۱۶). افزایش سهم بهره‌وری کل در رشد تولید ناخالص داخلی به ۳/۳۱ درصد و افزایش صادرات غیرنفتی به تولید ناخالص داخلی از ۳/۶ درصد به ۱۰ درصد، افزایش نرخ برابری دلار و پول ملی به میزان تفاوت تورم داخلی و خارجی (وارداتی) هدفگذاری شد. عملکرد برنامه‌ای صادرات غیرنفتی در جدول شماره ۱ نشان داده شده است.

جدول شماره ۱: عملکرد برنامه‌های صادرات غیرنفتی

(میلیارد دلار)

برنامه	پیش‌بینی صادرات غیرنفتی	عملکرد برنامه	درصد تحقق
اول	۱۷/۸	۱۱/۸	٪۶۶
دوم	۲۶/۴	۱۵/۳	٪۵۸
سوم*	۲۸	۲۶	٪۹۲/۵
چهارم**	۴۱/۲	۵۸/۶	٪۱۴۲

\* رشد برنامه‌های صادرات غیرنفتی برنامه دوم نسبت به برنامه اول ۱/۴۸ و رشد برنامه‌های برنامه سوم نسبت به برنامه دوم ۱/۰۶ و برنامه چهارم نسبت به برنامه سوم بدون احتساب سال پنجم برنامه ۱/۴۷ برابر پیش‌بینی شده بود.

\*\* عملکرد برنامه‌های چهارم بدون احتساب سال آخر برنامه یعنی سال ۱۳۸۸ است.

این عملکرد در حالی است که رشد اقتصادی متوسط برنامه دوم ۳ درصد و برنامه سوم ۵/۵ درصد بوده است و برآوردها متوسط رشد را برای سال‌های برنامه پنجم با وجود بحران مالی و اقتصادی، افزایش تحریم‌ها و تنش‌های خارجی در حدود ۳ تا چهار درصد برآورد کرده است. لیکن در همان حال باید گفت هنوز تا جایگاه مطلوب کشور در اقتصاد جهانی فاصله زیادی وجود دارد و لازم است گام‌های بلندتری در زمینه توسعه صادرات غیرنفتی کشور برداشته شود. مقایسه آمار متوسط تجارت خارجی ایران و ترکیه در یک دوره ۵ ساله (۲۰۰۳-۱۹۹۹) این موضوع را به‌خوبی نشان می‌دهد:

جدول شماره ۲: وضعیت صادرات و واردات (۲۰۰۳-۱۹۹۹)

جهان	ترکیه	ایران	شاخص
			کشورها
۵۵۶۳	۳۳/۴	۴/۲	متوسط ارزش صادرات غیرنفتی (میلیارد دلار)
۱۰۰	۰/۶	۰/۰۸	سهم از صادرات جهانی
—	۳۲	۷۰	رتبه در میان کشورهای صادرکننده
۲۴۴/۸۹	۰/۰۴	۲۲/۳۹	صادرات نفت خام (میلیارد دلار)
—	۷۲	۴	رتبه
۵۵۶۳	۴۵/۵	۱۷/۷	متوسط ارزش واردات غیرنفتی (میلیارد دلار)
۱۰۰	۰/۸	۰/۳	سهم از واردات جهانی (درصد)
—	۲۸	۴۳	رتبه در میان کشورهای واردکننده
—	۳/۹۴	۰/۰۰۰۳	واردات نفت خام (میلیارد دلار)
—	۱۸	۱۱۲	رتبه
—	-۱۲	-۱۳/۵	تراز بازرگانی غیرنفتی (میلیارد دلار)

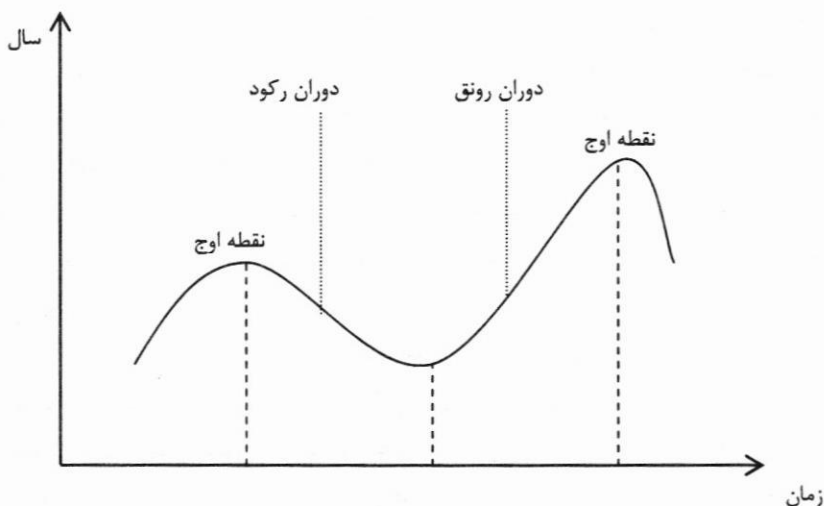
مأخذ: بانک اطلاعات تجاری مرکز تجارت بین‌الملل (۱)

## ۲- سیاست‌های پولی در بحران‌ها و ادوار تجاری

### ۲-۱- ادوار تجاری و آسیب‌پذیری اقتصاد

همان‌گونه که اشاره شد؛ ادوار تجاری تبیین‌کننده نوسان‌های عمومی هستند که در فعالیت‌های کلان اقتصادی کشورهایی براساس سازماندهی فعالیت بنگاه‌های تجاری، مشاهده می‌شوند. یک چرخه شامل رونق‌هایی است که تقریباً در یک زمان، در بسیاری فعالیت‌های اقتصادی به‌وجود می‌آید و در ادامه با رکودهای عمومی و انقباض در فعالیت‌ها خاتمه یافته و با تجدید حیات دوباره به دوره رونق بعدی متصل می‌شوند. تغییرات به صورت سینوسی و ممکن است از یک‌سال تا ۱۲ سال متغیر باشد.

## نمودار ۱- ادوار تجاری فعالیت‌های اقتصادی



مفاهیم بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اقتصادی مفاهیم مبهم و پیچیده‌ای هستند که تلاش‌هایی برای درک توضیح و پیش‌بینی آن‌ها صورت گرفت. اقتصاددانان با ابداع روش‌های اقتصادسنجی جدید مانند مدل‌های هم‌انباشته خودرگرسیون و میانگین متحرک<sup>۱</sup> تلاش کردند که امکان بررسی کمی شوک‌های اقتصادی را فراهم آورند.

آسیب‌پذیری اقتصادی نخستین بار در سال ۱۹۷۲ در مباحث مربوط به مشکلات خاص کشورهای جزیره‌ای در حال توسعه (مجموعه جزایر کارائیب) در سازمان ملل متحد مطرح و با گذشت بیش از ۲۰ سال از آن تاریخ، مطالعات کمی در برنامه‌های عملیاتی سازمان توسعه پایدار جزایر کوچک در حال توسعه قرار گرفت (۱). مطالعه بی‌ثباتی اقتصادی پیوندی نزدیک با تاریخ اقتصادی کشورهای آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی دارد. وقوع بحران بدهی و اجرای سیاست‌های نامتناسب ارزی دهه ۸۰ میلادی کشورهای آمریکای لاتین و وقوع بحران ناشی از سیاست‌ها و به‌ویژه آزادسازی نامحدود بازار سرمایه در دهه ۹۰ میلادی کشورهای آسیای جنوب شرقی، رکود اقتصادی و بیکاری را در پی داشت.

<sup>۱</sup> ARIMA

بحران اخیر از نظر جهانشمول بودن، سرعت فراگیری و عمق و شدت بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اقتصادی در دهه‌های اخیر بی‌سابقه بوده است (۸). هرچند که آسیب‌پذیری اقتصادی به‌عنوان خصلت بالقوه اقتصاد در پذیرش بحران‌های اقتصادی تعریف می‌شود، لیکن بی‌ثباتی اقتصادی حاصل بحران‌های به فعلیت رسیده، قلمداد می‌شود. پیش‌بینی‌های اقتصادی با خطاهای فراوان روبه‌رو گردید، به‌طوری‌که اکنون‌میست در تازه‌ترین سرمقاله با اشاره به وجود خطا در پارادایم‌های بازار آزاد می‌گوید چه بر سر علم اقتصاد آمده و در اصول آن چه تغییراتی باید ایجاد شود تا از اشتباهات گذشته اجتناب شود. سه انتقاد اصلی اکنون در میان است: (۱) اقتصاددانان کلان و اقتصاددانان مالی باعث این بحران بوده‌اند. (۲) اینان در شناسایی بحران موفق نبودند (۳) ایده‌ای برای رفع بحران ندارند (۲۷).

بحران‌های دهه‌های اخیر ایران هرچند متفاوت از بحران‌های آمریکای لاتین و آسیای جنوب شرقی برآورد شده، لیکن برخی از ویژگی‌های آن را نیز با خود به همراه دارد. بحران جنگ تحمیلی و شوک‌های ناشی از آن، بحران بدهی‌های اوایل دهه ۱۳۷۰ و سال‌های ۱۳۷۲ و ۱۳۷۳ و سپس تجربه تورم بالای ۱۳۷۴، شوک کاهش قیمت نفت سال‌های ۱۳۷۷ به همراه خشکسالی، شوک افزایش قیمت نفت دهه ۱۳۸۰ و سال‌های ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶ و متعاقب آن کاهش سال ۱۳۸۷ و بعد از آن به همراه بحران مالی جهانی و افزایش سه برابری میزان نقدینگی از حدود ۶۰ هزار میلیارد به حدود ۱۸۰ هزار میلیارد با گسترش دامنه تحریم اقتصادی<sup>۱</sup> وسیع‌تر آمریکایی - اروپایی، بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اقتصادی را تحت تأثیر قرار داده است. اغلب کشورهای درحال توسعه تلاش کردند که از معیارها و دستورهای نهادهای بین‌المللی و جهانی استفاده کنند. برای مثال شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب بانک جهانی (۲۸) و شاخص‌های توسعه انسانی<sup>۲</sup> برنامه توسعه سازمان ملل متحد (۲۵)، را مورد استفاده قرار دهند. کمیته برنامه‌ریزی توسعه سازمان ملل متحد<sup>۳</sup> از شاخص آسیب‌پذیری برای شناسایی و طبقه‌بندی کشورهای کمتر توسعه یافته (۱۹۹۹) استفاده می‌کند.

مشخصه اصلی بحران‌های ایجاد شده تورم و بیکاری بود که اولی محور سیاست‌های پولی بانک مرکزی و دومی محور سیاست‌های اقتصادی و مالی دولت بوده است. بانک مرکزی با هدف ثبات اقتصادی و تورم، تغییرات سیاستی را دنبال کرده است (۳).

<sup>1</sup> Economic Sanction

<sup>2</sup> HDI: Human Development index

<sup>3</sup> CDP: Committee for Development Planning

## ۲-۲- رکود تورمی

تورم معلول علل داخلی اقتصاد (علل ساختاری<sup>۱</sup>، فشار تقاضا<sup>۲</sup>، فشار هزینه‌ها<sup>۳</sup>)، علل خارجی اقتصاد (افزایش واردات، کاهش ارزش خارجی و کاهش صادرات) و نیز علل غیراقتصادی (علل روانی و علل عارضی و طبیعی) است (۱۳).

آسیب‌پذیری اقتصادی در اقتصاد ایران، تحت تأثیر شدید فشار تقاضا، یعنی فزونی تقاضای کل نسبت به عرضه کل (به‌خصوص تا پیش از بحران بزرگ) و فشار هزینه یعنی افزایش هزینه‌های تولید و کاهش بهره‌وری و نیز تورم وارداتی (خارجی) است. آسیب‌پذیری از طریق تجارت خارجی و واردکردن کالاها و محصولات خارجی، کالای مصرفی گران قیمت و لوکس، مواد اولیه، ماشین‌آلات و کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای گران، هزینه‌های تولید داخلی افزایش پیدا کرده و رقابت‌پذیری محصولات را در بازارهای داخلی و خارجی کاهش داده است. ورود زیاد ارزش خارجی و تأثیر روی سطح قیمت‌ها (مشابه دلایل بروز تورم در اروپا در سال‌های ۱۹۷۰-۱۹۷۱ به دلایل مبالغ بسیار زیاد دلار آمریکا که بنا بود با طلا قابل معاوضه باشد) و کاهش ارزش مداوم پول ملی از جمله موضوع‌های مهم موجود در اقتصاد کشور است (۱۴).

عوامل و شرایط روانی و بی‌اعتمادی مصرف‌کنندگان نسبت به آینده بعضاً با افزایش مصرف و کاهش عرضه همراه می‌شود و این خود در کنار عوامل مانند جنگ، خشکسالی، سیل و زلزله، شرایط را برای بی‌ثباتی اقتصادی و تورم فراهم می‌کند (۱۲).

تجارت خارجی تحت شرایط بحران و تحریم، افزایش هزینه‌های تولید را به‌همراه دارد. افزایش دستمزدها، هزینه‌های تأمین سرمایه، قیمت مواد اولیه وارداتی به همراه کاهش رشد بهره‌وری، کل فشارهای تورمی را افزایش می‌دهد. به گونه‌ای تجربی، اگر مثلاً رشد بهره‌وری نیروی کار کمتر از رشد هزینه‌های تولید باشد، فشار هزینه‌ای بیشتر می‌شود. برعکس اگر رشد بهره‌وری نیروی کار بیشتر از رشد هزینه تولید باشد، فشار هزینه‌ای کمتر می‌شود. تحقیقات نیز نشان می‌دهد که در صورت مساوی بودن و یا فزونی رشد بهره‌وری نیروی کار، نسبت به رشد هزینه‌های تولید، از کاهش عرضه جلوگیری می‌شود. چرا که کارفرمایان برای حداکثرسازی سود، تا جایی به جذب نیروی کار ادامه می‌دهند که بهره‌وری یا محصول نهایی نیروی کار برابر دستمزد حقیقی شود.

<sup>1</sup> Structural inflation

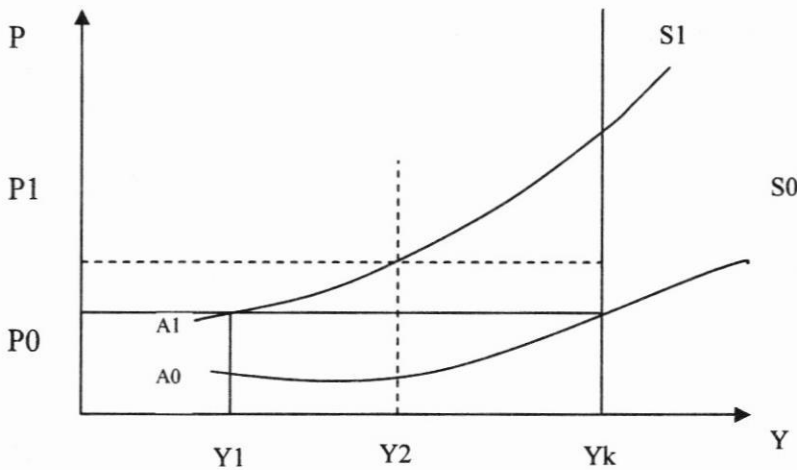
<sup>2</sup> Excess Demand inflation

<sup>3</sup> Cost push inflation



کاهش عرضه و ایجاد مازاد تقاضای کل موجب افزایش هزینه‌ها و قیمت‌ها می‌شود. ذی‌نفعان مانند اتحادیه‌ها و انجمن‌های کارگری، فشار برای افزایش دستمزدها را اضافه کرده و این دوباره به افزایش هزینه‌های تولید منجر می‌شود. ماریج تورمی دستمزد، قیمت آغاز شده و افزایش دستمزدهای حقیقی در اثر افزایش دستمزدهای اسمی بدون افزایش بهره‌وری، شرط تعادلی تولید را به هم می‌زند و در نتیجه تقاضای نیروی کار کاهش و بنابراین سطح اشتغال را نیز تقلیل می‌دهد.

نمودار ۲- جابجایی منحنی عرضه کل



کاهش اشتغال، تولید را کاهش داده که در نتیجه عرضه کل را می‌کاهد. در نمودار ۲ عرضه کل از  $A_0S_0$  به  $A_1S_1$  منتقل می‌شود. در سطح قیمت‌های اولیه سطح محصول عرضه شده تا  $y_1$  کاهش یافته و با کاهش عرضه، مازاد تقاضای بازار به‌وجود آمده و این خود قیمت‌ها را افزایش می‌دهد. افزایش قیمت در طرف تقاضای اقتصاد، باعث کاهش محصول تقاضا شده روی منحنی از سطح  $y_k$  به  $y_2$  می‌شود و در طرف عرضه نیز سطح محصول تولید شده روی منحنی عرضه جدید از سطح  $y_1$  به  $y_2$  افزایش می‌یابد. در مجموع سطح عمومی قیمت‌ها از  $P_0$  به  $P_1$  و سطح تولید از  $y_k$  به  $y_2$  کاهش می‌یابد. در این شرایط اقتصاد با یک تورم رکودی مواجه می‌شود. یعنی هم افزایش هزینه‌ها، با قیمت بالاتر محصولات همراه شده و هم عرضه کاهش

یافته و بیکاری تشدید می‌شود. با استفاده از اطلاعات و آمار مرکز آمار ایران سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۸۰ در گروه اقتصاد دانشگاه اصفهان، فرضیه وجود ارتباط هم جهت و مستقیم بین تورم و کاهش ارزش خارجی پول در ایران نیز تأیید شده است (۱۱).

### ۳-۲- ارتباط نرخ ارز و نرخ بهره

نرخ ارز و نرخ بهره از یک سو، به‌عنوان متغیرهای کلیدی و مهم سیاست‌های اقتصادی و به خصوص سیاست‌های پولی در این موضوع تأثیرگذار هستند. هر چند مانند بی‌ثباتی و آسیب‌پذیری اقتصادی، رابطه آن‌ها در حاله‌ای از ابهام است. نرخ ارز در کشورهای در حال توسعه و به‌خصوص کشور ایران که از آن به‌عنوان لنگر اسمی یاد می‌کنند، در سیاست‌های پولی و مالی کلیدی است. نرخ سود (بهره) بر متغیرهای مهمی نظیر هزینه سرمایه‌گذاری برای تولید، تجارت و بخش واقعی اقتصاد مؤثر است. لیکن رابطه این دو که در تحقیقات پژوهشگرانی چون درونبوش (۱۹۷۶)، (۱۷)، مس و روگوف (۱۹۸۳)، (۲۱)، ادیسون و ملیک (۱۹۹۹)، (۱۸)، مک دونالدو ناگایاسو (۱۹۹۹)، (۲۲)، گلدفن و گوپتا (۲۰۰۳)، (۱۹) و افسفلد، شامبوق و تیلور (۲۰۰۴)، (۲۳)، نتایج متفاوت و گاه متناقض اعلام داشتند، برخی وجود رابطه را تأیید کردند، برخی وجود رابطه را بین برخی ارزها نظیر دلار-پوند را با نرخ بهره مرتبط و برخی ارزها نظیر ین-دلار را رد کردند. برخی رابطه معکوس و برخی رابطه مستقیم را تأیید کردند. برخی در کوتاه‌مدت رابطه معکوس را تأیید و برخی برای بلندمدت رابطه مستقیم را نتیجه گرفتند (۶).

از سوی دیگر شوک نرخ بهره بر روی خالص صادرات، دارایی‌های خارجی و تولید نیز مؤثر است. برخی از اقتصاددانان ۸۰ درصد نوسان‌های تولید و ۹۰ درصد نوسان‌های سرمایه‌گذاری را در اقتصاد کشورهای در حال توسعه ناشی از شوک‌های قیمتی جهانی می‌دانند. همان‌گونه که به کوشش سائز و همکاران (۲۰۰۲) در بانک مرکزی ونزوئلا (۲۴)، نوسان‌های نفتی کشور ونزوئلا در ارتباط با ادوار تجاری بررسی شد، افزایش قیمت نفت و درآمدهای نفتی، مصرف سرمایه‌گذاری و تولید را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نکته آخر اینکه برای تحقق اهداف در برنامه چهارم، مجلس شورای اسلامی ماده واحده منطقی کردن نرخ سود تسهیلات بانکی را مصوب کرد که براساس آن دولت و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف‌اند ساز و کار تجهیز و تخصیص منابع بانکی را چنان سامان دهند که سود مورد انتظار تسهیلات بانکی در عقود با بازدهی ثابت طی برنامه چهارم در تمامی بخش‌های اقتصادی یک رقمی شود (۳).

### ۳- سیاست‌های پولی و تجارت خارجی

از مهم‌ترین اهداف دولت در نظام اقتصادی دستیابی همزمان به تعادل اقتصادی در بخش داخلی و خارجی است که از طریق اعمال سیاست‌های اقتصادی پیگیری می‌شود. تعادل اقتصادی در بخش خارجی بدان معناست که تراز پرداخت‌ها که مجموع حساب‌های جاری و سرمایه است در تعادل باشد و تعادل اقتصادی در بخش داخلی به معنای آن است که سطح بیکاری در میزان طبیعی قرار داشته باشد. سیاستگذاران برای رسیدن به تعادل اقتصادی از ابزارهایی استفاده می‌کنند. برخی از مهم‌ترین ابزارهای سیاستی برای رسیدن به هدف‌های مذکور عبارتند از:

- اول- سیاست‌های تغییر هزینه که مربوط به سیاست‌های مالی (هزینه‌های دولت و مالیات‌ها) و سیاست پولی (تغییر در عرضه پول و اثر آن بر نرخ سود) می‌شود.
- دوم - سیاست‌های تبدیل هزینه، که مربوط به تضعیف و تقویت ارزش پول است.
- سوم - کنترل ارزی

تعادل خارجی اقتصاد را معمولاً با سیاست‌های تبدیل هزینه‌ها می‌توان تأمین کرد. منظور از این سیاست‌ها در وهله اول تقویت یا تضعیف ارزش پول داخلی است. تضعیف (تقویت) ارزش پول داخلی معمولاً صادرات کشور را افزایش (کاهش) و واردات را کاهش (افزایش) و در نتیجه تراز بازرگانی را بهبود می‌بخشد (بدتر می‌سازد).

نرخ ارز به وسیله برابری عرضه و تقاضای ارز تعیین می‌شود. از جمله مهم‌ترین عوامل مؤثر بر عرضه و تقاضای ارز می‌توان به نرخ بهره، نرخ تورم، درآمد واقعی و انتظارات عوامل بازار از آینده اشاره کرد. این متغیرها به نوبه خود می‌توانند از سیاست‌های پولی و مالی دولت از یک سو و شوک‌های اقتصادی و انتظارات از سوی دیگر متأثر شوند.

بنابراین متغیرهای کلان اقتصادی می‌توانند تقاضا برای ارز (برای واردات، سرمایه‌گذاری در خارج از اعطای اعتبار و وام به خارج) و عرضه ارز (ناشی از صادرات، سرمایه‌گذاری خارجیان در داخل، گرفتن وام و اعتبار از خارج) را تحت تأثیر قرار دهند. این متغیرهای علاوه بر تأثیرگذاری بر عرضه و تقاضای ارز، تلویحاً ارزش پول داخلی یک کشور را تحت تأثیر قرار داده و موجب کاهش یا افزایش ارزش پول داخلی می‌شوند. این موضوع در کلیه نظام‌های ارزی صادق است. فقط با این تفاوت که در رژیم نرخ ثابت ارز، مقام‌های پولی کشور، مانع تغییر نرخ ارز می‌شوند و با استفاده از ذخایر بین‌المللی، کنترل‌های مستقیم و یا استقراض، سعی بر تثبیت

ارزش پول داخلی خود یعنی همان سطح تعیین شده دارند. حال اگر در چنین نظامی هیچ کدام از راه‌حل‌های یاد شده، جهت تعدیل و تصحیح کسری تراز پرداخت‌ها که به دلیل مازاد تقاضا به وجود آمده است، نتوانند به کار آیند، هیچ راه‌حلی برای مقام‌های پولی جز کاهش ارزش پول نخواهد بود. بنابراین یکی از راه‌حل‌های تعدیل تراز پرداخت‌ها، کاهش ارزش پول داخلی هر کشور است.

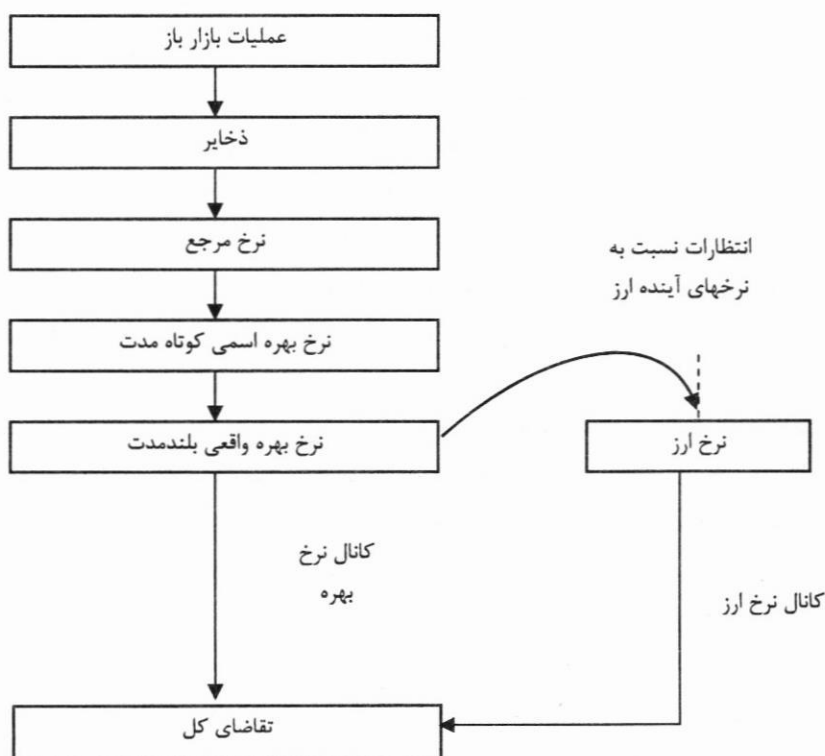
طرفداران کاهش ارزش پول بر این باورند که کاهش ارزش پول، موجب افزایش صادرات، تولید و در نتیجه بالا رفتن اشتغال و سطح درآمد‌ها و همچنین کاهش واردات می‌شود. در نتیجه تراز تجاری را بهبود بخشیده و کسری تراز پرداخت‌ها (مازاد تقاضا برای ارز) را جبران می‌کند. اما درباره کنترل‌های ارزی، چنانچه میان هدف‌های داخلی و خارجی اقتصاد تناقض وجود داشته باشد، باید به فکر یافتن راه‌حل مناسب دیگری بود. یکی از این راه‌ها، کنترل ارزی است. کنترل‌های ارزی وسیله‌ای برای مقابله با تأثیرهای نامطلوب شرایط و عوامل خارجی بر اقتصاد داخلی یک کشور است. بی‌گمان عمده‌ترین هدف کنترل‌ها بهبود کسری در تراز پرداخت‌هاست. هنگامی که نیروهای عرضه و تقاضا به‌طور آزادانه در بازار ارز عمل می‌کنند.

ممکن است در شرایط خاصی نوسان‌های وسیع نرخ ارز باعث ایجاد شرایط نامطمئن و در نتیجه برهم زدن تخصیص بهینه منابع و تأثیر سوء بر تولیدات داخلی و از همه مهم‌تر بر تجارت خارجی شوند. در این صورت دولت‌ها برای جلوگیری از این نوسان‌ها و تأثیر سوء آن بر اقتصاد داخلی، صنایع نوپا، فرار سرمایه و تراز پرداخت‌ها، مجبور به اعمال کنترل‌ها می‌شوند و این کنترل‌ها خود با توجه به شرایط اقتصادی دچار قبض و بسط می‌شوند. از جمله روش‌های غیرمستقیم کنترل ارز می‌توان به سیاست نرخ سود، صدور مجور وارداتی، مالیاتی بر واردات، پیمان ارزی و معافیت ارزی و جوایز صادراتی اشاره کرد که توضیح جزئیات هر کدام به مجال دیگری واگذار می‌شود.

در جمع‌بندی، سیاست‌های پولی از دو طریق بر تقاضای کل اقتصاد مؤثرند: مجرای نرخ بهره (که حجم پس‌انداز و سرمایه‌گذاری در اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد) و مجرای نرخ ارز (که حاصل صادرات یا تراز پرداخت‌ها را متأثر می‌سازد). بی‌گمان تأثیرپذیری نرخ ارز از سیاست‌های پولی نیز از طریق نرخ بهره انجام می‌پذیرد. بدین ترتیب که به دنبال اعمال سیاست‌های پولی انقباضی از سوی دولت، نرخ بهره افزایش یافته و در نتیجه ارزش پول ملی افزایش خواهد یافت. این امر به نوبه خود باعث کاهش تقاضای صادرات و تولید می‌شود. برعکس چنانچه دولت سیاست‌های پولی انبساطی را اعمال کند. نرخ بهره کاهش یافته و در نتیجه ارزش پول ملی

کاهش خواهد یافت که این امر افزایش تقاضای صادرات و تولید ناخالص داخلی را به همراه خواهد داشت. تغییرات نرخ بهره همچنین قیمت کالاها و خدمات وارداتی را نیز به صورت مستقیم یا غیرمستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد. بر این اساس تغییرات قیمت کالاهای وارداتی تغییر قیمت کالاها و خدمات داخلی را به همراه دارد که این امر بر خالص صادرات تأثیر می‌گذارد. نحوه اثرگذاری سیاست‌های پولی بر تقاضای کل در نمودار ۳ نشان داده شده است.

نمودار ۳: نحوه اثرگذاری سیاست‌های پولی بر تقاضای کل



### جمع بندی و پیشنهادها

صرفنظر از اختلافاتی که بر سر سازوکار و نقش سیاستگذاری پولی در تعیین روندهای کلان اقتصادی و متغیرهای مهمی چون رشد اقتصادی، تورم، نرخ بهره، تجارت خارجی و مانند

آن وجود دارد، اهمیت آن به‌عنوان یک ابزار کلیدی در تحقق سیاست‌های توسعه‌ای را نمی‌توان انکار کرد.

دولت‌ها در کشورهای مختلف، اعم از توسعه‌یافته و در حال توسعه، می‌کوشند با به‌کارگیری ابزارهای سیاست پولی در برنامه‌های خود، زمینه لازم برای تحقق اهداف و یا کنترل نوسان‌های و انحراف‌ها را از مسیر رشد فراهم کنند. هر چند در کشورهای توسعه یافته تأکید بیشتری بر ابزارهای بازاری و سازوکار بازار برای سیاست‌گذاری پولی وجود دارد و در کشورهای در حال توسعه استفاده از ابزارهای مالی و سیاست‌های اعتباری در شبکه بانکی به‌عنوان بخشی از ابزارهای سیاست پولی رواج دارد، لیکن به هر حال هر دو گروه با اهدافی کم و بیش مشابه به این کار مبادرت می‌ورزند.

در این مقاله نشان داده شد که چگونه متغیرهای مهمی مانند: نرخ سود، تورم، نرخ ارز و تراز پرداخت‌ها می‌تواند از سیاست‌های پولی متأثر شود. در این بین آنچه که بیشتر مورد توجه این مقاله قرار دارد؛ ارتباط بین سیاست‌های پولی و تجارت خارجی و به‌طور خاص سیاست‌های توسعه صادرات غیرنفتی کشور است.

در زمان حاضر که اقتصاد جهانی درگیر بحران مالی و اقتصادی عظیمی شده است و آثار این بحران؛ کم و بیش بخش‌هایی از اقتصاد کشور را دچار ساخته است، این موضوع اهمیتی دوچندان می‌یابد. بی‌شک یکی از مؤثرترین و سریع‌ترین راه‌های مقابله با بحران اقتصادی، توسعه تجارت است. توسعه صادرات غیرنفتی در این شرایط از یک سو عاملی در تأمین نیازهای ارزی و درآمدی کشور است و از سوی دیگر منبعی برای جبران رکود در بازار تولید داخلی و رها شدن تولیدکنندگان از مشکلات مالی است.

تجربه بحران‌های مالی و اقتصادی در جهان نشان داده است که پیامد بروز بحران می‌تواند موجب شرایط رکودی در اقتصاد، همراه با افزایش قیمت‌ها (رکود تورمی) باشد که فشار مضاعفی را بر مردم وارد می‌کند. در چنین شرایطی از آنجا که ممکن است اهداف و ابزارهای مورد استفاده در برخی از سیاست‌های اقتصادی دولت هم‌سو نباشند یا حتی در خلاف جهت یکدیگر عمل کنند، باعث بروز پیچیدگی زیاد در نحوه انتخاب و اعمال سیاست‌های پولی، مالی و ارزی دولت‌ها می‌شود. به‌عنوان مثال ممکن است دولت در بعد داخلی به دنبال کنترل نقدینگی و مهار تورم باشد و از بعد سیاست تجارت خارجی به دنبال تسهیل تأمین مالی توسعه صادرات باشد. در چنین شرایطی انتخاب سیاست بهینه اهمیت زیادی دارد.

در مبحث تجارت خارجی علاوه بر سیاست‌های پولی که از کانال نرخ بهره و نرخ ارز، تجارت خارجی را متأثر می‌سازد، سیاست‌های ارزی از نقطه نظر ایجاد تعادل در تراز پرداخت‌ها نیز حایز اهمیت هستند و به خصوص در شرایط رکودی کنونی، اتخاذ ترکیب بهینه‌ای از این دو سیاست که بتواند ضمن ایجاد راهکارهایی برای توسعه تجارت خارجی از کاهش بیش از اندازه ارزش پول ملی جلوگیری کند، اهمیت زیادی دارد.

بر این اساس در شرایط کنونی، اتخاذ یک سیاست پولی مناسب که ارتباط آن با سیاست‌های ارزی و مالی متناسب به خوبی دیده شده باشد، برای برون رفت از شرایط بحران جهانی اقتصاد و رفع آثار سوء آن مورد نیاز است.

از نقطه نظر شرایط تولید، از یک سو بنگاه‌های تولیدی در معرض تنگناهای مالی قرار گرفته‌اند و از سوی دیگر صادرکنندگان در مواجهه با بازارهای راکد جهانی و رقاباتی که به دلیل ترس از ورشکستگی و از دست‌دادن سهم بازار، قیمت‌های خود را به شدت کاهش داده‌اند، دچار معضل شده‌اند و بخشی از این فشار به‌صورت مزاد عرضه به بنگاه‌های تولیدی داخلی منتقل می‌شود.

از نقطه نظر سیاست‌های پولی نیز، از یک سو نیاز به انبساط پولی برای رفع نیازهای مالی بنگاه‌های اقتصادی احساس می‌شود و از سوی دیگر نگرانی‌ها درباره تشدید تورم، سیاستگذاران را به سمت سیاست‌های پولی انقباضی هدایت می‌کند.

در بعد تجارت خارجی نیز از یک سو ترفند کاهش ارزش پول ملی برای تقویت جایگاه صادرکنندگان و حفظ مزیت‌های رقابتی کالای صادراتی ایران مطرح است و از سوی دیگر حفظ ارزش پول ملی برای حفظ قدرت خرید مردم و جلوگیری از تورم وارداتی مورد تأکید است.

مجموع شرایط فوق، باعث پیچیدگی زیادی در اتخاذ سیاست بهینه می‌شود و به‌خصوص تناقض در نتیجه سیاست‌های مختلفی که از دیدگاه‌های متفاوتی ارائه می‌شوند، این موضوع را پیچیده‌تر می‌سازد. بی‌گمان هر چند اتخاذ سیاست دقیق نیازمند بررسی تمام جوانب از دیدگاه علمی و بررسی موشکافانه ارتباطات متغیرهای اقتصادی در این زمینه است، لیکن با توجه به آنچه که قبلاً ذکر شد لاقلاً به جرأت می‌توان گفت براساس اینکه توسعه تجارت به‌عنوان مهم‌ترین راهکار خروج از بحران اقتصادی ذکر می‌شود، در شرایط کنونی کشور نیز اتخاذ سیاست حمایت از توسعه صادرات به‌عنوان و محور سیاست‌های مالی، پولی و ارزی توصیه می‌شود و بر همین اساس به نظر می‌رسد، تسهیل تأمین مالی صادرکنندگان، توسعه منابع مالی

در تجارت خارجی (انبساط پولی برای توسعه صادرات) و کاهش متعادلی از ارزش پول ملی (افزایش نرخ ارز) سیاست‌های گریزناپذیری باشند.

جدول شماره ۱ پیوست: اقتصاد ایران در یک نگاه ۸۳-۱۳۸۳

۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	معیار
<b>مسکن و ساختمان:</b>				
۱۹۲/۸	۱۲۵/۸	۱۱۱/۵	۱۰۰/۰	شاخص قیمت زمین (۱۳۸۳=۱۰۰)
۱۵۳/۸	۱۲۶/۹	۱۱۱/۶	۱۰۰/۰	شاخص کرایه مسکن اجاره‌ای (۱۳۸۳=۱۰۰)
۴۳/۰	۱۶/۲	۱۶/۶	۲۹/۴	رشد شاخص دستمزد یک روز کارگر ساده ساختمان (درصد)
۱۹/۰	۱۹/۹	۶/۲	۲۳/۹	رشد شاخص بهای عمده فروشی مصالح ساختمانی (درصد)
۳۰/۵	۱۸/۶	۱۸/۱	۲۵/۸	رشد شاخص بهای خدمات ساختمانی (درصد)
۲۰۹۰۰۳۵	۱۷۲۶۰۲	۱۲۹۰۷۲۹	۱۳۵۰۹۷۳	تعداد پروانه‌های ساختمانی صادر شده در کلیه مناطق شهری (فقره)
۱۰۵/۳	۷۰/۱	۵۷/۹	۶۱/۶	برآورد سطح زیربنای کلیه ساختمان‌ها براساس پروانه‌های صادر شده (میلیون متر مربع)
<b>درآمدها و مخارج دولت:</b>				
۲۰۳۱۶۸۵۷	۱۰۹۱۵۰۱۰۵	۱۰۵۸۹۰۹۹۰	۱۰۱۸۴۰۵۰۷	بودجه کل کشور (میلیارد ریال)
۶۳۹۰۵۰۰	۵۸۷۰۵۹۷	۵۶۹۰۸۳۷	۵۱۹۰۰۱۵	بودجه عمومی (میلیارد ریال)
۸/۸	۳/۱	۹/۸	۱۹/۰	رشد بودجه عمومی (درصد)
۴۷۲۰۹۹۵	۴۱۳۰۹۲۸	۳۸۷۰۶۶۹	۲۵۵۰۰۰	کل درآمدهای دولت (میلیارد ریال)
۱۹۱۰۱۱۵	۱۵۱۰۶۲۱	۱۳۴۰۵۷۴	۸۴۰۴۲۱	درآمد مالیاتی دولت (میلیارد ریال)
۱۷۳۰۵۱۹	۱۸۱۰۸۸۱	۱۸۶۰۳۴۲	۱۵۰۰۴۱۳	درآمد نفتی دولت (میلیارد ریال)
۱۰۷۰۶۶۱	۸۰۰۴۲۶	۶۶۶۰۷۵۳	۲۰۰۱۶۶	سایر درآمدهای دولت (میلیارد ریال)
۵۶۹۰۰۵۰	۵۶۱۰۳۵۹	۷۱۵۰۳۹۹	۴۶۷۰۰۱۵	کل پرداخت‌های دولت (میلیارد ریال)
۴۲۱۰۳۳۴	۴۱۵۰۷۸۸	۵۹۷۰۷۶۰	۳۹۴۰۷۰۹	پرداخت‌های جاری دولت (میلیارد ریال)
۱۴۷۰۷۱۶	۱۴۵۰۵۷۱	۱۱۷۰۶۳۹	۷۲۰۳۰۶	پرداخت‌های عمرانی دولت (میلیارد ریال)
۱۰۶۷۷۰۰۶۵	۱۰۳۷۲۰۸۳۸	۱۰۰۵۵۰۹۶۹	۶۸۸۰۹۲۱	بودجه شرکت‌های دولتی و بانکها (میلیارد ریال)
۲۲/۲	۳۰/۰	۵۳/۳	۲۴/۳	رشد بودجه شرکت‌های دولتی و بانکها (درصد)
-۰۰۵۵۰۹۶	-۱۴۷۰۴۳۱	-۶۰۰۸۵۳	-۴۹۰۲۲۹	کسری بودجه دولت (میلیارد ریال)، برآورد دولت
-۳۴/۸	۱۴۲/۳	۲۳/۰	۱۳/۷	رشد کسری بودجه (درصد)
-۱۵/۰	-۲۵/۱	-۱۰/۷	-۹/۵	کسری بودجه دولت نسبت به بودجه عمومی (درصد)
-۳/۷	-۷/۳	-۳/۶	-۳/۶	کسری بودجه نسبت به محصول ناخالص داخلی (درصد)
<b>سرمایه‌گذاری</b>				
۱۰۱۰۸۰۳	۹۹۰۶۸۲	۹۶۰۷۷۰	۹۱۰۹۳۳	تشکیل سرمایه ناخالص ماشین‌آلات (قیمت‌های ثابت، میلیارد ریال)
۲/۱	۳/۰	۵/۳	۱۴/۰	رشد سرمایه ثابت ماشین‌آلات (درصد)
۶۴۰۳۳۶	۵۷۰۰۴۸	۵۴۰۹۱۵	۵۲۰۴۲۶	تشکیل سرمایه ناخالص ساختمان (قیمت‌های ثابت، میلیارد ریال)
۱۲/۸	۳/۹	۴/۷	-۳/۵	رشد سرمایه ثابت ساختمان (درصد)
۱۶۶۰۱۲۹	۱۵۶۰۷۳۰	۱۵۱۰۶۸۵	۱۴۴۰۳۵۹	کل تشکیل سرمایه ناخالص (قیمت‌های ثابت، میلیارد ریال)
۶/۰	۳/۳	۵/۱	۷/۰	رشد کل سرمایه ثابت ناخالص (درصد)



ذخایر و بدهی‌های ارزی				
۲۳/۱۷۵	۹/۵۵۵	۱۰/۶۸۶	۹/۴۷۷	موجودی حساب ذخیره ارزی (میلیارد دلار)
۲۸/۶۴۷	۲۳/۵۱۴	۲۴/۲۶۴	۲۳/۰۷۴	بدهی‌های بالفعل خارجی (میلیارد دلار)
۹/۸۹۱	۹/۱۰۰	۱۰/۶۸۶	۱۰/۲۵۳	بدهی‌های خارجی کوتاه‌مدت (میلیارد دلار)
۳۴/۵	۳۸/۷	۴۴/۰	۴۴/۴	نسبت بدهی‌های کوتاه‌مدت به کل بدهی‌های خارجی (درصد)
۲۶/۸	۲۷/۸	۳۳/۷	۴۵/۵	نسبت بدهی‌های خارجی به کل صادرات (درصد)
۱۰/۲	۱۰/۶	۱۳/۰	۱۴/۶	نسبت بدهی‌های خارجی به کل تولید (درصد)
سکه، سود و ارز				
۹،۳۵۷	۹،۲۲۶	۹،۰۴۲	۸،۷۴۸	متوسط نرخ دلار آمریکا (ریال)
۱۸،۷۹۲	۱۷،۴۳۷	۱۶،۱۹۸	۱۶،۱۰۲	متوسط نرخ پوند انگلستان (ریال)
۱۳،۳۰۹	۱۱،۸۳۹	۱۱،۰۶۴	۱۰،۹۹۷	متوسط نرخ یورو اروپا (ریال)
۸،۱۰۶	۷،۸۶۵	۸،۰۰۰	۸،۰۸۰	متوسط نرخ یکصد ین ژاپن (ریال)
۱،۹۰۶،۷۸۲	۱،۶۷۹،۶۷۶	۱،۲۲۸،۹۰۵	۱،۰۴۵،۳۷۶	متوسط نرخ سکه بهار آزادی طرح قدیم (ریال)
۱۶/۰ تا ۷/۰	۱۶/۰ تا ۷/۰	۹/۰ تا ۷/۰	۹/۰ تا ۷/۰	سود سپرده بانکی کوتاه‌مدت دولتی (درصد)
۱۶/۰ تا ۱۲/۰	۱۶/۰ تا ۷/۰	۱۳/۰	۱۳/۰	سود سپرده بانکی دولتی (۱ ساله) (درصد)
۱۶/۰	۱۶/۰	۱۷/۰	۱۷/۰ تا ۱۳/۰	سود سپرده بانکی دولتی (۵ ساله) (درصد)
۱۵/۵	۱۵/۵	۱۵/۵	۱۷/۰	نرخ اوراق مشارکت بانک مرکزی (درصد)
بورس تهران				
۴۱۵	۴۱۶	۴۱۹	۴۲۳	تعداد شرکتهای پذیرفته شده (فعال و غیرفعال)
۱۰۰۰۸۲	۹۸۲۱	۹،۴۵۹	۱۲،۱۱۳	شاخص کل قیمت
۷،۹۶۷	۷،۷۵۲	۷،۴۲۷	۹،۳۱۵	شاخص صنعت
۲۰،۸۸۳	۲۰،۷۷۰	۲۰،۹۴۱	۳۴،۲۰۵	شاخص مالی
۵۵۹	۶۹۵	۶۹۷	۸۸۳	شاخص وزنی ۵۰ شرکت فعالتر
۵،۹۳۴	۵،۱۸۲	۴،۶۹۲	۴،۱۹۸	شاخص بازده نقدی
۳۶،۱۹۳	۳۰،۷۸۶	۲۶،۸۵۰	۳۰،۷۶۲	شاخص کل قیمت و بازده نقدی
۷۲،۷۹۹	۵۵،۶۴۴	۵۶،۵۲۹	۱۰۳،۷۰۵	ارزش معاملات سهام (میلیارد ریال)
۲۱،۷۳۰	۷،۷۹۵	۶۵۲	۶،۷۹۵	ارزش سهام واگذاری شده بخش عمومی (میلیارد ریال)
۴۶۲،۵۷۴	۳۹۵،۰۲۸	۳۲۵،۷۲۸	۳۸۷،۵۴۷	ارزش بازار (میلیارد ریال)

جدول شماره ۲ پیوست: شاخص‌های نقدینگی، پایه پولی و ضریب فزاینده پولی ۱۳۸۴-۸۶

درصد تغییر			شاخص
۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	
۲۷/۷	۳۹/۴	۳۴/۳	نقدینگی
۳۰/۵	۲۶/۹	۴۵/۹	پایه پولی
-۲/۲	۹/۸	-۷/۹	ضریب فزاینده (پایان سال)
۳۷/۷	۴۳/۲	۳۹	بدهی بخش غیردولتی
۳۰	۲۱/۳	۱۳/۲	اسکناس و مسکوک در دست اشخاص

مأخذ: بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران - اداره بررسی‌های و سیاست‌های اقتصادی

در سال ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ عملکرد متغیرهای کلیدی بخش پولی نظیر نقدینگی به ترتیب ۱۷/۴ و ۷/۷ واحد درصد از هدف در برنامه بیشتر بوده که فاصله چشمگیری با اهداف در برنامه چهارم داشته است، بی‌گمان این شتاب در سال ۱۳۸۷ تا حدود ۲/۱ واحد کمتر از هدف برنامه تحقق یافت.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> متوسط هدف برنامه چهارم توسعه برای رشد نقدینگی سال‌های مختلف ۲۰ درصد و متوسط نرخ تورم ۹/۹ در نظر گرفته شده بود.

## کتابنامه

### الف. فارسی:

بانک اطلاعات تجاری مرکز تجارت بین الملل (ITC)

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: *تحلیل تجربی تورم، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، ۱۳۸۴.

بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران: *سیاست‌های پولی و اعتباری، سال‌های مختلف*، قابل دسترسی در [www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)

بانک مرکزی جمهوری اسلامی: *بسته سیاستی - نظارتی، ابلاغی توسط معاون اول رئیس جمهوری*، ۱۳۸۷ و ۱۳۸۸

بانک مرکزی جمهوری اسلامی: *آمارهای اقتصادی*، ۱۳۸۸.

بیدآباد، بیژن و مهناز ربیعی: *رابطه نرخ ارز و نرخ بهره در اقتصاد ایران (ارزیابی مجدد و توسعه نظریه مقداری پول)*، قابل دسترس در، ۱۳۸۴.

[Ttp://www.bidabad.com/doc/nerkhe-arz-bahreh-1.pdf](http://www.bidabad.com/doc/nerkhe-arz-bahreh-1.pdf)

سازمان برنامه و بودجه: *برنامه پنج ساله اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مصوب مجلس شورای اسلامی* ۱۳۶۸-۱۳۷۲

سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران: *تحلیل بحران اقتصادی - چالش‌ها و فرصت‌های آن برای منطقه و ایران*، ۱۳۸۷.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور: *برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دوم ۱۳۷۴-۱۳۷۸ مصوب مجلس شورای اسلامی.*

سبحانی، محمد باقر: *بررسی تأثیر سیاست‌های پولی و مالی در اقتصاد ایران با استفاده از معادله نسبت لوئیس*، دانشگاه شیراز، ۱۳۷۵.

شجری، هوشنگ و همکاران: *بررسی رابطه متقابل تورم و کاهش ارزش خارجی پول در ایران*، مجله پژوهش دانشگاه اصفهان، جلد بیست و یکم، شماره ۲، ۱۳۸۵.

طیبنیا، علی: *تئوری‌های تورم با نگاهی به فرآیند تورم در ایران جهاد دانشگاهی*، واحد تهران، ۱۳۷۴.

قدیری اصل، باقر: *پول*، مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم، ۱۳۶۶.

کتابی، احمد: *تورم علل و آثار و راه‌های مقابله با آن*، سازمان چاپ و انتشارات اقبال، چاپ سوم، ۱۳۷۰.

مجلس شورای اسلامی: *قانون اوراق مشارکت مصوب.*

وب سایت سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی ایران [www.mporg.ir](http://www.mporg.ir)

ب. انگلیسی:

Dornboush: *International monetary approach dynamic effect of monetary expansion under flexible exchange rate*, 1976.

Edison, Hali J., William R. Melick: *Alternative approaches to real exchange rates and real interest rates: 1974-1990*” *Jornal of Monetary Economics*, Vol. 31, 1999.

Goldfain, I. and Gupta: *Does monetary policy stabilize the exchange rate following a currency crisis?*, IMF Staff Papers Vol. 50, No. 1, 2003.

Lucas, R.E: *Studies in Business Cycle Theory*, Cambridge, 1981.

Messe R., K. Rogoff: *Empirical exchange rate models of the Seventies*. Journal of International Economics, 14, North-Holland Publishing Company, 1983.

MacDonald, R., and J. Nagayasu: *The long-run relationship between real exchange rates and real interest differentials: a panel study*, IMF Working, 1999.

Obstfeld Murice, Shambaugh J.C, and Taylor A.M: *Monetary sovereignty, exchange rates and capital controls*, IMF Staff papers vol. 51 special issue, 2004.

Saez, F. and L. A. Puch: *Trade Shocks and Aggregate Fluctuations in an oil Exporting Economy*, Venezuela Central bank. 2002.

United Nations Development Programme, [www.undp.org](http://www.undp.org)

International Monetary Fund, [www.imf.org/external/pubind.htm](http://www.imf.org/external/pubind.htm)

Economist Journal, [www.economist.com/printedition](http://www.economist.com/printedition)

World bank, [www.worldbank.com](http://www.worldbank.com)